

قتل مرد همسایه به بهانه مزاحمت برای همسر

مرد زندانی که پس از قتل همسایه‌اش انگیزه خود را مزاحمت مقتول برای همسرش عنوان کرده بود درحالی در شعبه 2 دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که پزشکی قانونی سلامت روان وی را تأیید کرد.

هشتم مهر سال 1400 کادر درمان بیمارستانی در پاکدشت به پلیس گزارش داد، مرد جوانی که با ضربه‌های چاقو مجروح شده بود، به خاطر شدت جراحات وارده و خونریزی شدید فوت کرده است.

پس از این گزارش مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی عامل قتل آغاز کردند و در نخستین گام به محل جنایت رفتند.

یکی از همسایه‌ها به مأموران گفت: صبح روز حادثه در حال رفتن به محل کارم بودم که ناگهان دیدم یکی از همسایه‌ها به نام سهراب راه را بر مقتول سد کرده و بعد چاقویی از جیبش بیرون کشید و ضرباتی به او زد و رفت. بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم اما فایده‌ای نداشت و جان باخت. سهراب معتاد است و همیشه رفتارش باعث آزار همسایه‌ها بود.

پس از اظهارات وی مأموران سهراب را ردیابی و بازداشت کردند و در همان ابتدا به قتل اعتراف کرد و مدعی شد در زمان قتل تعادل روانی نداشته است. از آنجا که متهم از زمان دستگیری و در مراحل بازجویی رفتارهایش به لحاظ روحی نامتعارف بود وی با دستور قضایی برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی شد.

کارشناسان پزشکی قانونی نیز بعد از معاینه‌های لازم در گزارشی اعلام کردند، متهم مبتلا به اختلالات روانی است اما این اختلال رافع مسئولیتش در زمان ارتکاب جرم نبوده و در زمان قتل جنون نداشته است.

با اعلام این گزارش و تکمیل تحقیقات در دادرسی پاکدشت، برای سهراب به اتهام قتل عمد کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه 2 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه پدر مقتول برای متهم درخواست [قصاص](#) کرد. سپس سهراب به جایگاه رفت و باز هم با رفتارهای غیرطبیعی تلاش کرد

تا قضات را مجاب کند که تعادل روحی - روانی ندارد. او حتی در پاسخ به سؤال‌های قضات جواب‌های بی‌ربطی می‌داد و می‌گفت: من مقتول را کشتم اما خودش مقصر بود. چند سال قبل هم یک سیلی به صورتش زده بودم اما این بار به خاطر موضوع دیگری او را زدم. قاضی پرسید: چه موضوعی؟

متهم جواب داد: نمی‌خواهم جلوی پدر و مادرش درباره آن حرف بزنم. در این هنگام قاضی از پدر و مادر مقتول خواست چند دقیقه‌ای دادگاه را ترک کنند و فقط برادر مقتول در دادگاه حضور داشت. متهم گفت: او مزاحم همسرم شده بود. اول می‌خواستم همسرم را خفه کنم ولی پشیمان شدم و او را به بیمارستان بردم. بعد از آشپزخانه چاقویی برداشتم و در کوچه مقتول را دیدم و به او حمله کردم و وقتی روی زمین افتاد به او چاقو زدم و چند دقیقه‌ای بالای سرش ایستادم و بعد هم فرار کردم.

قاضی از سهراب پرسید: چرا در پرونده‌ات به موضوع خفه کردن همسرت اشاره‌ای نشده. آیا اولین بار است که آن را مطرح کردی؟ متهم جواب داد: چند روز قبل از این حادثه حس کردم او مزاحم همسرم شده است. به همین خاطر اول به زخم حمله کردم و بعد هم مقتول را زدم. فقط می‌خواستم چراغ زندگی‌اش را خاموش کنم!

قاضی سؤال کرد: سابقه بیماری روانی داری؟ متهم گفت: من دیوانه نیستم. فقط یک بار که همسرم با حالت قهر به اصفهان رفته بود وقتی دنبالش رفتم خانواده‌اش من را در بیمارستان روانی بستری کردند.

سپس وکیل متهم به جایگاه رفت و گفت: موکلم شیشه و متادون مصرف می‌کرده و در زمان ارتکاب جرم کنترلی بر رفتارش نداشته است. بنابراین از قضات تقاضا دارم پس از بررسی این موضوع موکلم را از اتهام قتل عمد تبرئه کنند.

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

*ایران